

## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم

مجید عنان‌پور خیرآبادی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از ابعاد پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است. با مراجعه به آیات قرآن می‌توان نمونه‌هایی از رفتارهای فردی و اجتماعی مختلف را مشاهده نمود که جنبه درس و عبرت‌آموزی خواهد داشت. هدف از پژوهش حاضر؛ بررسی سبک زندگی زنان در قرآن کریم بر مبنای کلام وحی است: خصوصیات زنانی از جمله بلقیس ملکه سبا در آیین حکومت‌داری صحیح، تطابق رفتار سیاسی با حکم عقل، مشورت و حسن تدبیر در امر حکومت؛ یوکابد مادر موسی(ع) در فداکاری و کیاست، ذکاوت و دوراندیشی، استقلال رأی بدون تکیه بر دیگران، استقامت و پایداری، شجاعت و از خودگذشتگی؛ آسیه همسر فرعون در مبارزه و شهادت‌طلبی، قهرمان و خستگی‌ناپذیر، نفرت از ارزش‌های پوچ و مادی، طرد سیاست طاغوتی و شیطانی، انزجار از ستمکاران، ستیزه‌جویی با کافران، درایت و روشن‌بینی و از خودگذشتگی؛ و مریم مادر عیسی(ع) در پرستش و پاکدامنی، استقامت و شکیبایی، مبارزی هوشمند در سیاست، ایثار و از خودگذشتگی.

کلیدواژه‌ها: زن در قرآن، سبک زندگی، سبک زندگی زنان، سبک زندگی قرآنی، فرهنگ اسلامی

---

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، مدرس دانشگاه. رایانامه: enanpoor@gmail.com

**مقدمه**

دستیابی و کشف نظر دین مبین اسلام پیرامون موضوعات و مسائل گوناگون از مهم‌ترین اموری است که ذهن محققان و پژوهشگران مسلمان را در حوزه‌های مختلف علوم به خود مشغول ساخته است. آیات قرآن کریم که در بیان معروف رسول گرامی اسلام (ص) یکی از دو امانت به جای مانده آن حضرت و تمسک به آن، راه نجات از گمراهی معرفی شده است، مهم‌ترین منبع مورد استناد برای کشف نظر شریعت اسلام پیرامون مسائل مختلف است.

مقام زن در اسلام چنان است که در قرآن کریم سومین سوره مفصل به نام «نساء» نامیده شده و در ده سوره دیگر مسائل مربوط به حقوق و منزلت زنان مطرح گردیده است و در خطابات عام زنان مورد خطاب‌اند. بنابراین، می‌توان از بسیاری از مفاهیم قرآن، نکات مهمی را در این رابطه استنباط کرد و ادعای دروغی که اسلام برای زن ارزشی قائل نیست از این طریق منتفی دانست.

نگاه اسلام به زن موجب شد تا دیدگاه جامعه و حتی ادیان گذشته نسبت به زن تغییر کند. جایگاهی که اسلام برای زن به عنوان فردی مستقل از مرد قائل بود، باعث شد تا وجود زن به رسمیت شناخته و ارزش و جایگاه او دیده شود.

اسلام وجود زن را مسئله مهم زندگی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی، اخلاقی و قانونی خود جا داده و او را عضو مؤثر جامعه دانسته است. در این پژوهش سعی بر آنست تا با بررسی آیات قرآن به ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان اشاره شود.

**مؤلفه‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم**

در قرآن مجید به زنانی برگزیده و ممتاز بر می‌خوریم که در فراست و هوش سرشار و در توانایی بر درک حقایق بسیار دشوار و حل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی به منزلت بالایی رسیده بودند. بخش مهمی از آیات قرآن در مورد

این زنان و حکایت سرگذشت آنان نازل شده است تا از این طریق نسل‌های مختلف را متوجه ارزش و جایگاه آنان نماید تا آنان بتوانند با الگو قرار دادن سبک زندگی این زنان بزرگ، گام‌های صحیح و استواری در مسیر زندگی و فعالیت‌های اجتماعی خود بردارند.

### – مؤلفه‌های سبک زندگی بلقیس ملکه سبا

موهبت خداوند متعال به حضرت سلیمان پیامبر آن بود که وی هم پیامبر خدا و هم فرمانبرداری بزرگ و مقتدر در عصر خویش بود. هرگاه سلیمان(ع) به سفر می‌رفت یا بر تخت می‌نشست، سپاه‌یانی از جن و انس و پرندگان که خداوند مسخر وی کرده بود، پیرامونش را می‌گرفتند. یکی از پرندگان سلیمان هدهد بود که روزی در یکی از بازدیدهایش جای آن را خالی دید. پس از مدتی هدهد حاضر شد و با کلامی شیوا علت غیبت خویش را بیان داشت. هدهد عامل خبری قطعی از سرزمین سبا بود که سلیمان از فرمانروای آنجا اطلاع نداشت (نمل / ۲۳-۲۰). هدهد پیام آورد که اولاً یک زن عهده‌دار مسئولیت خطیر زمامداری آن سرزمین است؛ دوم اینکه کمیت و کیفیت حکومت آن زن به گونه‌ای است که شباهت کامل به حکومت سلیمان دارد، سوم آنکه او تخت و عرش عظیم دارد که قدرت نافذ و همه‌جانبه‌ای را که لازمه یک حکومت مقتدر است، نشان می‌دهد (گرجی، ۱۳۷۶: ۹-۲). همچنین گزارش داد که ساکنان آن سرزمین به جای خداپرستی به پرستش خورشید مشغول‌اند و در برابر خورشید سر به خاک می‌نهند. سلیمان نامه‌ای برای ملکه سبا از طریق او فرستاد.

بلقیس با دریافت نامه به‌سرعت، وزیران و فرماندهان لشگری و کشوری و مشاورانش را فراخواند تا جلسه‌ای تشکیل دهند. او گفت: نامه‌ای دریافت کرده‌ام که در آن مسائل بسیار بزرگی مطرح شده است. در این نامه از من و مردم سرزمین من، دعوت به پرستش خدای یگانه و تسلیم در برابر او شده است. حال می‌خواهم با شما مشورت کنم. آنها گفتند: ما مرد جنگیم و امکانات فراوان داریم و می‌توانیم در مقابل دشمن بایستیم. بلقیس پاسخ داد: به نظر من تعقل و تدبیر و دوراندیشی عقلانی‌تر

## ۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

است. باید سلیمان را آزمود و منتظر عکس‌العمل او شد، از این رو، من جنگ را به شما توصیه نمی‌کنم. اگر سلیمان پیامبر خدا باشد ما توانایی جنگ با او را نداریم و چنانچه پادشاه باشد، هدیه ما را می‌پذیرد و ما با این قدرت و تدابیر حکومتی بر او پیروز خواهیم شد. بلقیس هدایای بسیاری برای سلیمان(ع) فرستاد. سلیمان به فرستادگان بلقیس گفت: آیا می‌خواهید نظر مرا با مال دنیا جلب کنید؟ اگر این قصد را دارید بدانید که آنچه خدا به من داده از آنچه شما دارید بهتر و بیشتر است. این شماست که از هدیه خود شادی می‌کنید. اینک به سوی بلقیس و مشاورانش برگردید و به آنها بگویید؛ من سپاهی به سوی شما گسیل می‌دارم که قادر نباشند در مقابل آن مقاومت کنند و آنان را با ذلت و خواری از مملکت سبا بیرون می‌کنم (نمل / ۳۷-۲۲). به بلقیس بگویید که من جز ایمان و اطاعت و تسلیم در برابر خداوند چیزی نمی‌خواهم. زمانی که فرستادگان برای او نقل کردند که او با دیگر پادشاهان متفاوت است بلقیس با سپاهی عظیم، خود عازم سرزمین سلیمان شد. قبل از رسیدن او حضرت سلیمان(ع)، تدابیر لازم را برای آزمون بلقیس انجام داده بود؛ از جمله اینکه تخت و عرش او را به دربار خود منتقل کرده و تغییراتی در ظاهر آن داده بود. سلیمان با طرح سؤالی او را مورد آزمایش قرار داد تا دریابد آیا بلقیس درک و هوش لازم را برای ایمان آوردن و تسلیم دین او شدن دارد یا از کسانی خواهد بود که امیدی به هدایت‌شان نیست. بلقیس با پاسخ منطقی و هوشمندانه خود به سلیمان(ع) نشان داد که از تیزهوشی و درایت و دقت نظر بالایی برخوردار است. او نیز که برای آزمایش سلیمان آمده بود با مباحثه و مناظره‌ای مستدل و منطقی یقین حاصل کرد که سلیمان(ع) مرد خدا و پیامبر الهی است. بلقیس که کاملاً پی به عظمت و شکوه سلیمان برده بود و او را دارای نیروی مافوق بشری یافته بود، سخت تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفت و در برابر مکتب و آیین او تسلیم شد.<sup>۱</sup>

«از جمله چیزهایی که به بلقیس داده شده بود دوراندیشی، عقل، درایت، حزم و

عزم بود.» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۵)

۱. روایت این داستان در سوره نمل آیه‌های ۳۸-۴۴ آمده است.

## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۹۷

۱. بلقیس امور مملکت خود را با حکم عقل اداره می‌کرد، از این رو، با حوادث ناگهانی بزرگ در طول حکومتش همچون مواجهه با حضرت سلیمان(ع) احساسی برخورد نکرد، او می‌دانست اگر بر خلاف خرد حکمرانی نماید، سرانجام به زیانش تمام خواهد شد.

بلقیس در امور مملکتی خود پایبند به امر شورا بود و سعی می‌کرد که از دیدگاه‌های مشاوران خود مطلع گردد و نسبت به نظرات آنها احترام گذارد و در عین حال بسیار منطقی و واقع‌بینانه با مسائل برخورد می‌کرد، اگر نظر آنها را مخالف با مصلحت حکومت خود می‌دید، با استدلال آنها را رد می‌کرد. این گونه مشورت‌ها و نظرخواهی‌ها موجب جلب رضایت و اطمینان عاملان اجرایی می‌شود و خود مدیر نیز از مزایا و فایده‌های مشارکت و مشورت سود می‌برد. (یوکل، ۱۳۸۲: ۲۶۱)

۲. بلقیس از سلامت رأی و روشن بینی و حسن تدبیر در امر حکومت برخوردار بود؛ به طوری که این موضوع را می‌توان با فرستادن نمایندگان خود به دربار سلیمان برای بار اول و آزمایش کردن او مشاهده کرد. او عجلانه تصمیم به یکی از دو امر با سلیمان نمی‌گیرد؛ «جنگ یا صلح» بلکه تمام جوانب را می‌سنجد.

۳. بلقیس از شجاعت و اراده‌ای قوی و همتی بلند بهره‌مند بود؛ به طوری که پس از شنیدن پیغام او از سوی فرستادگان ویژه‌اش متوجه شد که سلیمان(ع) با پادشاهان دیگر متفاوت است؛ خود عازم سرزمین سلیمان شد تا اوضاع را از نزدیک بررسی کند. او علی‌رغم تهدیدات سلیمان(ع)، با شجاعت و همتی بلند اقدام به سفر و ترک وطن می‌کرد.

به شهادت قرآن، ملکه و ملت سبا مردمی خورشیدپرست و مرفه و دارای امکانات عالی زندگی و نظامی بودند و در ظاهر از نظر تشکیلاتی بر تشکیلات سلیمان برتری داشتند و خود را قوی‌تر و قدرتمندتر می‌دانستند. ولی با همه این اوصاف بلقیس زنی مصالحه‌جو و سازگار بود و با حضرت سلیمان از راه مصالحه و هدیه وارد شد و در برنامه‌های او تفکر نمود و سرانجام با ایمان و اسلام خود نشان داد که خیلی عاقلانه فکر می‌کند و در صورت تشخیص حقیقت از آن نمی‌گذرد. (بابازاده، ۱۳۸۱:

## ۹۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۴. بلقیس از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بود و قدرت شناختش از حقایق و بررسی امور بسیار بالا بود؛ به طوری که با تشخیص درست خود از آزمایش‌های سلیمان سربلند و موفق بیرون آمد و به او ثابت کرد که استحقاق دعوت به یکتاپرستی را دارد.

۵. بلقیس از اعتقادات مستقل برخوردار بود و تصمیمات اعتقادی را با اختیار خود انتخاب می‌کرد؛ چه در زمانی که به پرستش آفتاب پرداخت و چه در زمانی که به یکتاپرستی روی آورد. این بانو که حاکمیت قدرتمندی بر قوم خویش داشت و آن ناشی از سیاست صادقانه و مقتدرانه او بود و ملتش نیز او را قبول داشتند، از این روی در رواج اعتقاداتش در هر دو حالت بسیار مؤثر بوده است. (فهیم، ۱۳۷۴: ۳۲)

۶. بلقیس زیباترین بیان را در مواجهه با حق و جلوه حق الهی (پیامبر خدا) به زبان می‌آورد و سخنش هم طراز با کلام انسان‌های متعالی بود. اقرار به گناه و پی بردن به حقارت خود، اوج تواضع و از خودگذشتگی است. از طرفی اقرار به گناه و توبه زیبای وی حاکی از شجاعت و وارستگی شخصیتی او بود.

### – مؤلفه‌های سبک زندگی یوکابد مادر موسی (ع)

زندگی حضرت موسی(ع) دارای مراحل گوناگونی است. در تمامی این مراحل زنان حضوری چشمگیر داشته‌اند. قرآن حضور تاریخی زنان معاصر حضرت موسی(ع) را در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی به خوبی نشان می‌دهد. آنها از حریم حق دفاع کردند تا آن را به سر منزل مقصود برسانند. در این میان محوری‌ترین و حساس‌ترین نقش را مادر موسی عهده‌دار بوده است. زن صالحی که خداوند متعال به او وحی می‌کند که چگونگی فرزند خود را نجات دهد؛ فرزندی که یکی از پیامبران بزرگ الهی خواهد بود. خداوند متعال به او آموخت که چه عملکردی داشته باشد و چه تدبیری بیندیشد و با چه مدیریت صحیحی او را از چنگال فرعون و فرعونیان برهاند و به مرحله‌ای برساند که در آینده از انبیا و مرسلین(ع) باشد.

کاهنان به فرعون خبر داده بودند که مردی از دودمان یعقوب که در مصر پراکنده‌اند، سرانجام به سرنوشت تو خاتمه می‌دهد و نابودی قطعی تو به دست اوست. فرعون برای جلوگیری از این خطر دستور داد، مأمورانی از مرد و زن، زنان و خانواده‌های بنی اسرائیل را زیر نظر بگیرند و هر گاه اطلاع یافتند یکی از زنان آبستن است شکم بدرند و اگر جنین پسر بود به قتل رسانند. مادر موسی که آبستن به موسی بود و اراده الهی بر این بود که فرزند او از پیامبران اولوالعزم (ع) گردد و به رهبری خلق گماشته شود، از این وضعیت سخت نگران و آشفته بود. او در تدبیر و زیرکی و ایمان و نیز رأی و فراست، در مراحل و درجات عالیه قرار داشت و از زنان بزرگ روزگار خود بود. در دامان این بانوی بزرگوار، باید فرزندی تربیت می‌شد که بساط جور و ستم جبار زمان، یعنی فرعون را برچیند و مردم مستضعف را نجات دهد. او ناگزیر به طرح یک برنامه‌ریزی دقیق و صحیح بود تا با ظرافت و تدبیر خاصی بتواند در طول سالیان متمادی فرزند خود را از انواع خطرات حفظ نماید و او را به مرحله‌ای رساند که اراده الهی را در روی زمین عملی سازد. (دوانی، ۱۳۷۸: ۴۵)

مادر موسی به فرمان وحی، موسی را در صندوق قرار داد و او را به دریای نیل افکند. (طه / ۳۸) و از او خواسته شد که هیچ‌گونه غم و اندوه و نگرانی به خود راه ندهد او با پیگیری تمام و مساعدت دخترش متوجه می‌شد که صندوق به‌دست مأموران فرعون می‌افتاد. خواهر موسی از طرف مادرش مأموریت یافت که قدم به قدم در پی موسی باشد تا ببیند که سرانجام کار او به کجا می‌انجامد، به محض آنکه خواهر موسی فهمید که صندوق را به درون کاخ فرعون بردند، درصدد برآمد که تمام سختی‌ها و خطرات را به جان بخرد و برای نجات برادرش به هر ترتیب که شده وارد کاخ شود. آسیه همسر فرعون با دیدن موسی از فرعون درخواست کرد که او را نزد خود نگه دارد.

## ویژگی‌های مادر حضرت موسی (ع)

۱. ذکاوت و دوراندیشی: مادر موسی علیه‌السلام با ذکاوت و تیزبینی به کاخ نفوذناپذیر فرعون راه یافت و تربیت فرزندش را به طور مستقیم عهده‌دار شد. موسی (ع) در خانه فرعون ملوکانه تربیت شد و همه علوم و فنون را فراگرفت و در سن بلوغ به پیامبری مبعوث شد. (نورالدین، ۱۴۱۴: ۳۸۱)
۲. استقامت و پایداری: مادر موسی (ع) زندگی بسیار سخت و دشواری را سپری کرد و سال‌ها برای تأمین معیشت فرزندانش تلاش کرد. وقتی آنها بزرگ و مستقل شدند و موسی و برادرش هارون امر رسالت پروردگارش را عهده‌دار شدند، او دیگر به هدف مقدس خود رسیده بود.
۳. شجاعت و از خودگذشتگی: مادر موسی (ع) می‌دانست مأموران فرعون در کمین یکتاپرستان هستند. و زنان آبستن بنی‌اسرائیل را شکم می‌درند و فرزندان پسر را به قتل می‌رسانند ولی با شجاعت هر چه تمام در زیر یوغ استبداد فرعونی فرزند خود را حفظ کرد. این شجاعت برای حفظ و بقای دین الهی و آرمان‌های آن ستودنی و قابل تقدیر است.
۴. ایمان و توکل: او به قدرت خداوند و اراده الهی در این مأموریت توکل داشت و یقین می‌دانست که سرانجام وعده الهی به وقوع می‌پیوندد و او و پسرش بر فرعون پیروز می‌شوند. از این رو با ایمان و باور قلبی توانست فرزند خود را در آب‌های پر خروش نیل پرتاب کند و او را به کام دشمن بفرستد.
۵. شایستگی تربیت فرزندان صالح: اراده خداوند بر این بود که موسی (ع) در دامان مادر واقعی خود تربیت و بزرگ شود. پیامبران (ع) و مردان بزرگ الهی برای رسیدن به مقام شایسته باید در دامان مادرانی شایسته بزرگ می‌شدند. وقتی از مادر موسی (ع) خواسته می‌شود که با برنامه‌ریزی دقیق خودش به موسی شیر دهد به این دلیل است که ویژگی‌های مادر از طریق شیر به جان فرزند انتقال می‌یابد. مسئله تأثیر شیر و انتقال خصوصیات شخصیتی از این طریق به فرزند که در آینده نمودی متعالی خواهد داشت، در واقع ظهور و بروز ارزش‌های یک زن در یک پیامبر است (گرجی، ۱۳۷۶:



## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۰۱

۸۱). این مادر مدبر در تربیت فرزندانش بسیار موفق بود، موسی(ع) را برای پیامبر شدن تربیت کرد. هارون را طوری پرورش داد که یار و یاور برادرش باشد و در تمام مراحل زندگی، پشتیبان او که مرد خدا و پیامبر خدا بود، باشد (طبری، ۱۴۰۳: ۳۰۳) و خواهر موسی(ع) را چنان تربیت کرد که با شجاعت تمام به دفاع از برادر پرداخت و برای نجات دین خدا، جان خود را به خطر انداخت و در آن شرایط خفقان‌زا و حکومت ظالم و طاغوتی توانست فرزندانی مبارز، هدفمند، یکتاپرست، متحد و ضد طاغوت تربیت کند.

۶. استقلال رأی بدون تکیه بر دیگران: در معرفی حضرت موسی(ع) و مراحل پر فراز و نشیب زندگانی او در قرآن، هیچ نشانی از پدر موسی(ع) ذکر نمی‌شود. پر واضح است که در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن مردان به شدت تحت فشار آزار و اذیت فرعون بودند و اغلب در زندان‌ها زیر شکنجه یا تحت تعقیب بودند. آنچه قطعی است اینکه در قرآن به پدر موسی(ع) اشاره‌ای نشده و فقط از مادر موسی(ع) سخن به میان آمده است. او با عزمی راسخ و بدون ترس و واهمه از نبودن همسر، انجام وظیفه می‌کرد.

۷. حضور پررنگ اجتماعی: بر خلاف اندیشه باطل فرعون نسبت به ناکارآمد بودن زنان که به همین دلیل زنان و دختران را زنده نگاه می‌داشت و مردان و پسران به قتل می‌رساند، و با وجود جهل، کفر و ظلم فراوان در جامعه آن روز، این زن شایستگی پیدا می‌کند که جایگاه فرمان الهی باشد و به طور کامل تحت تسلط و فرماندهی او قرار گیرد و بصورت مجرای برای تحقق اراده خداوند درآید و دستورات خاصی به او ابلاغ و او از آینده مطلع شود. این مقام موجب می‌گردد که او قیامی عظیم نموده و اقدام به یک حرکت بزرگ اجتماعی نماید و دست به هر خطری بزند تا این مشیت عظیم الهی را به مقصد نهایی برساند.

۸. سیاست شایسته: مادر موسی(ع) با این ویژگی‌های رفتاری، هم در زمان خود و هم در زمان‌های بعد، الگویی شایسته برای دیگران بویژه زنان است. او به ما می‌آموزد یک زن با خودسازی، اخلاص، ایمان و توکل، اعتماد به نفس، استقلال رأی، هوشمندی و درایت و شجاعت و پایداری می‌تواند با خداوند ارتباطی نزدیک پیدا کند و مورد

## ۱۰۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

عنایت و حمایت بی دریغ او برای رسیدن به اهدافش قرار گیرد و نشان می‌دهد زنان نیز همچون پیامبران می‌توانند از کارگزاران و عاملان خداوند در روی زمین برای خدمت به خلق باشند.

### – مؤلفه‌های سبک زندگی آسیه همسر فرعون

آسیه همسر فرعون و ملکه مصر بود. او در قصر فرعون که پادشاهی مستبد بود، زندگی می‌کرد و از انواع امکانات مادی و رفاهی برخوردار بود. آسیه زنی بود که در هاله‌ای از نجابت، لیاقت و پاکی قرار داشت. رشد شخصیت و توجه به وظیفه انسانی و ایمانی او کار را به جایی رساند که کاخ‌نشین بهشت شود و در ردیف بهترین زنان عالم قرار گیرد. ایمان آوردن او به حضرت موسی (ع) بزرگ‌ترین ضربه به دستگاه فرعون بود؛ چراکه او نزدیک‌ترین فرد به فرعون بود. فرعون برای انصراف او از این تصمیم به هر وسیله ممکن – تهدید و تطمیع – متوسل شد ولی جز مقاومت از او چیزی ندید و بدین وسیله توانست شرایط حاکم بر نظام حکومتی آن روز را در هم ریزد. (انصاری، ۱۳۸۱: ۲۸۲)

### ویژگی‌های آسیه همسر فرعون

۱. آسیه مشتاق هدایت فرعون: وقتی موسی (ع) به اصرار آسیه در دربار مصر ماندگار شد و تحت مراقبت شخصی ملکه و مهر و محبت او قرار گرفت و بزرگ شد و به مقام نبوت رسید، آسیه به او گروید و از او به شدت حمایت کرد ولی در آن زمان ایمانش را از فرعون پنهان می‌داشت و تلاش می‌کرد که فرعون را با دین موسی و با حقیقت آفرینش و آیین یکتاپرستی بطور غیر مستقیم آشنا سازد؛ چراکه فرعون در برابر وی تأثیرپذیری داشت و بیشتر مواقع با او مشورت می‌کرد. در هر حال این تلاش آسیه به جایی نرسید؛ هر چند کوشش او یک شیوه تبلیغی و تربیتی ظریف را در بر داشت. وقتی موسی (ع) بارها و بارها فرعون را به یکتاپرستی فرامی‌خواند و فرعون دعوت او را نمی‌پذیرفت، آسیه به شدت از این برخورد رنج می‌برد و تلاش می‌کرد که او را به

### ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۰۳

دین موسی(ع) جذب کند. این زن سمبل انسانیت، الگوی شرافت و نمادی از یک موحد خالص و خداجو بود. او در خانه‌ای به یاد توحید و یگانگی بود که نه تنها در آن یادی از خدای یکتا نبود بلکه صاحب آن خانه دشمن این یکتاپرستی در مقام ستیزه‌گری با آن بود.

۲. اسوه مؤمنان: وقتی جریان رود نیل موسی(ع) را به مفر دشمنانش می‌رساند و آنها قصد ذبح او را می‌کنند، در میان آنان زنی یافت می‌شود که با تیزبینی و شامه‌ای قوی او را از چنگال آن دژخیمان نجات می‌دهد و مانع قتل او می‌شود. فرعون در تردید است که آیا این همان کودکی است که منجمان دربارش گزارش داده‌اند یا نه؟ آسیه او را از تردید بیرون می‌آورد و به او اطمینان می‌دهد که کودکی که دست پرورده خودشان باشد، هرگز آنگونه تربیت نمی‌شود، بلکه برعکس آن فرزند نور دیده آنها و سبب افتخار و خرسندی آنان می‌شود.

همسر فرعون بدون اینکه تحت هدایت پیامبری از پیامبران الهی قرار گیرد، با هدایت فطری خویش نهایت خلوص را به نمایش می‌گذارد و شخصیتی از خویش ترسیم می‌کند که او را به صورت اسوه و الگوی مؤمنان در می‌آورد، ارزش نقشی که این بانو در بنیاد نهادن نهضت موسی با نجات دادن او دارد، بسیار است. همچنین اهمیت و ارزش نقش این بانو در دنبال کردن نهضت موسی، بیشتر معلوم می‌گردد؛ نهضتی که مسیر اجتماع را دگرگون می‌سازد؛ اجتماعی که قرن‌ها در زیر فشار و ستم‌های فرعونیان به سر می‌برد.

۳. شجاع و شهادت طلب: آسیه همچون مبارزی یکتاپرست تا پای جان از موسی(ع) و عقیده‌اش دفاع می‌کند و بر پیکره امپراطوری فرعون ضربه وارد می‌کند. او زنی قهرمان و خستگی‌ناپذیر است که با مدیریت و برنامه‌ریزی هوشمندانه می‌تواند زمینه‌ساز قیام موسی(ع) باشد. او سال‌ها به طور مخفیانه یکتاپرستی می‌کند و سرانجام در راه مبارزه علیه ظلم و بی‌عدالتی به شهادت می‌رسد (اشتهاردی، ۱۳۷۶: ۵۷). ویژگی‌های بارز مدیریتی آسیه را با آیه ۱۱ سوره تحریم بیان می‌کنیم: «و خداوند برای مؤمنان همسر فرعون را مثل می‌زند که گفت: پروردگارا برای من نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن و من را از فرعون و عمل او نجات بده و نیز مرا از قوم ظالم برهان.»

۱۰۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱-۳. ادراک کمال مطلق: کمال حقیقی انسان، وصول به مقام و قرب نزد خدا است و کسی که این حقیقت را ادراک کند، تمام اعمال و حرکاتش در مسیر قرب و همه کمالاتش مقدمه‌ای برای وصول به کمال نهایی خواهد بود. آسیه نیز زنی کامل است و مقصد نهایی را ادراک می‌کند و در راه رسیدن به مقصد می‌کوشد و طالب قرب است و می‌گوید: «خدایا در نزدت و در جوارت منزلگاهی برایم فراهم کن»

۲-۳. نفرت از ارزش‌های پوچ و مادی: آسیه با اینکه همسر مرد ثروتمند و مقتدری است و تمام امکانات مادی را در اختیار دارد، اما به سبب طغیان و ظلم او و اینکه سدی در برابر حق است، از او ابراز تنفر می‌کند و دیگر به کاخ‌نشینی نمی‌بالد و همسر شخصی مثل فرعون بودن را ارزش و موجب افتخار نمی‌داند. او در میان افراد تبهکار و بیدادگر، ایمان خود را حفظ می‌کند و آلوده مادیات و امیال دنیوی نمی‌شود. او هرگز مقهور جبر تاریخ نمی‌شود که خود تاریخ‌ساز می‌شود و در برابر مشکلات و فشارهای گوناگون مقاومت می‌کند و برای وصول به کمال مطلق از خدا طلب نجات از فرعون را می‌کند: «خدایا مرا از چنگال فرعون برهان».

۳-۳. طرد فرهنگ طاغوتی و شیطانی: او با اعلام انزجار از عملکرد فرعون با فرهنگ فرعون و طاغوتی مخالفت و مبارزه می‌کند و نسبت به آن ابراز تنفر می‌کند. از این رو در نیایش با معبود عالمیان از او می‌خواهد که وی را از فرعون و عملش نجات دهد و او را خلاصی بخشد: «پروردگارا مرا از عمل فرعون نجاتم بده».

۴-۳. نفرت و انزجار از ستمکاران: در فرهنگ قرآن همان‌طور که مهر و محبت در راه خدا و برای خدا، بر بندگان خدا لازم و از صفات مؤمنان است، نفرت و انزجار از زشتی‌ها و بدکاران نیز از وظایف آنان به شمار می‌آید. همسر فرعون این ارزش را نیز ارائه می‌دهد و از خدای جهانیان می‌خواهد که او را از قوم و گروه ستمکاران نجات دهد. در واقع این بانو با این دعای خویش، خشم و غضب خود را نسبت به ستم‌پیشگان اعلام می‌نماید: «خدایا مرا از چنگ قوم ستمکار و ظالم نجات بده».

۵-۳. عشق و ایمان: هنگامی که همسر فرعون، با هدایت‌های الهی و راهنمایی‌های حضرت موسی (ع) ارشاد می‌گردد و نور ایمان در قلبش می‌تابد، به مرحله‌ای از ایمان می‌رسد که عاشقانه در این راه از جان خود می‌گذرد و از انواع شکنجه‌های فرعون

## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۰۵

نمی‌هراسد و با استقامت و ایمان، سمبل عشق و ایمان و الگویی برای بانوان جهان و حجتی برای جهانیان می‌گردد و به همه زنان حامل این پیام می‌شود که حتی در محیط فاسد و در جامعه‌ای ستمکار نیز می‌توان مؤمن و پاک بود. (دوست‌محمدی، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۲۵)

۶-۳. ستیزه‌جویی با کافران و شهادت‌طلبی در راه حق: آسیه سال‌ها خداوند یکتا را پرستش می‌کند و تحت هدایت موسی (ع) ایمان خود را نگاه می‌دارد، ولی سرانجام رازش فاش می‌شود. فرعون از هر طریقی برای انصراف او متوسل می‌شود، ولی بی‌فایده است، آسیه دل به خدا داده و از هیچ چیز و هیچ کس هراسی به دل راه نمی‌دهد. فرعون دستور می‌دهد آسیه را به چهار میخ کشند و سنگی بزرگ روی سینه‌اش قرار دهند تا اینکه زیر این شکنجه سهمگین جان به جان آفرین تقدیم می‌کند و به شهادت می‌رسد. (دوانی، ۱۳۷۵: ۴۵)

۷-۳. درایت و روشن‌بینی و از خود گذشتگی: می‌توان ادعا کرد که آسیه مادر دوم موسی (ع) بود. او در پرورش و نجات جان موسی (ع) و حمایت از او نقش حساسی بر عهده داشت. وی با درایت و روشن‌بینی جریان‌ات درون کاخ فرعون و گزارش‌های مأموران او و نیز شرایط بحرانی اجتماعی و سیاسی را زیر نظر داشت و با دقت تمام اوضاع را از نزدیک بررسی می‌کرد. آسیه که با همان نگاه اول به سیمای موسی، پی به الهی بودن سیمای او برد، تصمیم به دفاع از جان موسی نمود. او در تمامی مراحل، بویژه در سه مرحله حساس و سرنوشت‌ساز برای حفظ جان موسی از خودگذشتگی کرد: ۱. زمانی که موسی را از صندوق بیرون آوردند و او تلاش نمود که مأموران فرعون را از کشتن موسی منصرف کند ۲. هنگامی که تلاش نمود تا مادر موسی به عنوان دایه پذیرفته شود. ۳. وقتی که موسی با اهانت به فرعون و کندن ریش او در ایام کودکی و برانگیختن خشم او در آستانه مرگ قرار گرفت؛ چراکه او دیگر یقین حاصل کرد که موسی از دشمنان اوست، ولی آسیه با ارائه استدلال فرعون را قانع کرد که او بی‌تقصیر است و آن، خطای بچه‌گانه‌ای بیش نبوده است. (بهشتی، ۱۳۶۸: ۴۴)

آسیه زن قهرمان و نام‌آوری است که در قرآن معرفی و در دفاع از دین خدا و پیامبر الهی و مبارزه با بیدادگری فرعون، در تاریخ ضرب‌المثل شده است. او با نمرود زمان

خویش در خفا و آشکارا همچون مبارز خستگی ناپذیر و کاخ نشینی در بهشت آسمان را به کاخ نشینی در جوار فرعون ترجیح داد و در این راه به شهادت رسید.

### - مؤلفه‌های سبک زندگی مریم مادر عیسی (ع)

داستان حضرت مریم (ع) در قرآن مجید یکی از شگفت‌انگیزترین و جالب‌ترین داستان‌های قرآنی است. ولادت او، سرگذشت مادر او، ماجرای باردار شدنش و آوردن پسری به نام عیسی (ع) داستانی شنیدنی و بی‌نظیر است که در قرآن مجید به تفصیل آمده است.

حضرت مریم نمونه یک انسان کامل و متجسم فضایل معنوی بود و توانست در مسیر تعالی و رشد شخصیت خدایی خود الگوی سالکان اعم از زن و مرد قرار گیرد. او که مظهر عفاف و پاکدامنی بود به درجه‌ای رسید که توانست به عنوان مادر پیامبر اولوالعزمی چون حضرت عیسی (ع) برگزیده شود. او با مدیریت آگاهانه این پیامبر الهی را در تمام مراحل زندگی صبورانه حمایت می‌کند و برای رسیدن فرزندش به مقام رسالت انواع مشقت‌ها را تحمل می‌کند و از جانب خداوند برگزیده و از جمله برترین زن جهانیان معرفی می‌شود.

برخی از ویژگی‌های حضرت مریم (س) عبارت است از :

۱. مریم یک عابده بود: عبادت واقعی حق، عروج انسان به نزدیکی کمال نهایی است. مریم (س) همواره در محراب عبادت و در حال عروج الی‌الله بود. خودسازی، تزکیه نفس، پاکدامنی و تقرب او به خداوند متعال به حدی است که با دخل و تصرف در نظام آفرینش روزی‌اش با اسباب غیر عادی به او می‌رسد.

۲. پاکی و برگزیدگی خدایی: انسان می‌تواند به مرحله‌ای از رشد و کمال دست یابد که شایستگی محبوب شدن در پیشگاه خداوند را پیدا کند و مریم (س) به عنوان یک زن توانست با انجام اعمال صالح و شایسته و طی طریق و سیر و سلوک الی‌الله مورد عنایت خاص الهی قرار گیرد و به ولایت الهیه دست یابد. او با اطاعت و خضوع در مقابل کمال مطلق و نماز و رکوع و سجود، توانست لایق همصحبتی با ملائکه و

## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۰۷

فرشتگان الهی شود و به مقام دریافت وحی از جانب خداوند برسد. (دوست محمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶-۱۳۳)

۳. افتخار مادری: مریم افتخار داشت که فرزندی همچون عیسی (ع) را به دنیا عرضه کند. یکی از رسالت‌های بزرگ هر زن ایفای نقش مادری اوست.

یک بانوی مدیر و خلاق در مسیر انجام وظیفه و عهده‌داری مسئولیت مختلف نباید رسالت مادری خود را به فراموشی سپارد؛ چراکه چنین مدیرانی می‌توانند با تربیت فرزندانی موفق و شایسته جامعه را به سوی سعادت و تعالی سوق دهند. مریم این حقیقت را دریافته بود که این کرامت و بزرگی از جانب پروردگارش به اوست که او قابلیت حمل فرزندی را - که معجزه‌ای الهی بوده - پیدا کرده است.

۴. استقامت و شکیبایی: مریم (س) در مقابل ناجوانمردانه‌ترین تهمت‌ها استقامت کرد. او که جز رضایت ذات مقدس ربوبی به هیچ قدرت دیگری فکر نمی‌کرد و توکلش فقط به خدا بود، توهین‌ها و شماتت‌های قومش برایش بی‌اهمیت شد و هرگز از مشکلات راهش ترس و بیم به خود راه نداد.

۵. مبارزی هوشمند در سیاست: مریم هوشمندانه اوضاع سیاسی را بررسی می‌کرد و گزارش‌های لحظه به لحظه حکومتی را می‌شنید تا اگر خطر به اوج رسید، جان فرزندش را نجات دهد. چنانکه با شنیدن خبر توطئه قتل فرزندش از سوی ایادی هیردوس، طبق یک برنامه از قبل طراحی شده، به‌طور مخفیانه اقدام به هجرت کرد و به خوبی از عهده این مأموریت برآمد.

۶. ایثار و از خود گذشتگی: مریم و فرزندش از آیات الهی و نشانه‌های اعجاز روی زمین بودند و مورد احترام جمعیت بی‌شماری بودند. آنها با این مقام والا در غربت با انواع سختی‌ها مواجه شدند ولی هرگز تسلیم نشدند. مریم با ایثار و از خودگذشتگی همپا و هم‌ردیف محروم‌ترین اقشار جامعه به کار و تلاش مشغول شد و برای گذران زندگی خود و فرزندش در مزارع کارگری کرد، زیرا هدفش بسیار مقدس بود و مأموریتی بس خطیر داشت و آن حفظ جان عیسی و تربیت و پرورش او و رساندن او به موعد رسالتش بود. بنابراین لازم بود که در این مسیر دست به امور سخت فیزیکی

## ۱۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بزند، با مردم مستضعف و کم‌درآمد نشست و برخاست کند، طعم فقر و گرسنگی را بچشد و با انواع مشکلات اجتماعی دست و پنجه نرم کند.

۷. حضور اجتماعی پررنگ: او با تولد عیسی (ع) در جامعه حضوری پررنگ پیدا کرد؛ چرا که رسالت او در این برهه از زمان این است که فرزندش را به مردم عرضه بدارد و اهداف و برنامه‌های او را برای آنها معرفی کند و حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه خود را از او اعلام بدارد و مردم را به پیروی از او و دین و آیین او دعوت کند. مریم (س) در این راه هیچ باکی و هراسی به خود راه نمی‌دهد و با گام‌های استوار برنامه‌های خود را یکی پس از دیگری عملی می‌سازد.

۸. اسوه و الگو برای زنان عالم: به دنبال تزکیه روح، ویژگی‌هایی در شخصیت مریم پدیدار شد که مورد خطاب و وحی الهی قرار گرفت و با ملائکه همصحبت شد. خداوند شخصیت مریم را در آخر سوره تحریم بدین‌سان بیان می‌کند: «مریم دختر عمران نمونه کامل یک فرد با ایمان که روحش پاک بود و ما روح خود را در آن دیدیم. او سخنان خدای خود را و کتب او را تصدیق کرد و از بندگان فرمانبردار خدا گردید و به آن جا رسید که خداوند او را مثل و نمونه‌ای برای همه مؤمنان اعم از زن و مرد قرار داد.» (تحریم / ۱۲-۱۱). این شخصیت معنوی نه تنها در اعتقاد بلکه در گفتار و رفتار و اعمال نیز تسلیم محض الهی شد و به مقامی رسید که از زنان برگزیده الهی برای عالمیان گردید. (آل عمران / ۴۲)

### - تقابل نوح و لوط علیهما السلام با همسرانشان

انسان‌ها به همان نسبت که در انتخاب یک زندگی سالم و افتخارآمیز استقلال دارند، در انتخاب زندگی ناسالم و ذلت‌بار نیز بطور مستقل گام بر می‌دارند، بنابراین مردان و زنان به صورت مستقل از هم و بدون وابستگی به یکدیگر در کسب کرامات و یا خباثت نفسانی آفریده شده‌اند و هر کدام به تنهایی، مسئول پاسخگویی به اعمال و رفتارهای خود در محضر خداوندند. همسران نوح و لوط که زنان منفی در قرآن معرفی شده‌اند، بر این گمان بودند که حضور فیزیکی آنها در کانون خدایی پیامبران و بدون



## ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۰۹

همراهی اعتقادی با آنان می‌تواند ریسمانی باشد که آنها به آن ریسمان تمسک جویند و از عذاب الهی رهایی یابند، در حالی که آنها حقیقت عبودیت را درک نکردند و به پیامبران و آرمان‌های‌شان خیانت کردند. (گرجی، ۱۳۷۶: ۳۹ - ۳۸)

### - همسر نوح (ع)

در «مجمع‌البیان» شیخ طبرسی نام همسر نوح «واغله» آمده است. واغله شریک زندگی مرد صالحی بود که خداوند امر خطیر رسالت را به او واگذار کرد. این زن در اوج جوانی و قدرت و از خانواده‌ای معروف و سرشناس در آن زمان بود، از این رو در میان سران قومش از جایگاه بالایی برخوردار بود. ویژگی‌های اخلاقی او بر عکس همسرش بود. اگر نوح علیه‌السلام فردی با اخلاق، عاقل، فهیم، حلیم و صاحب سعه‌صدر و فردی پاک و صادق و امین بود، آن زن بسیار سنگدل، سرسخت، تندمزاج، غیر متعهد، بددهن و بی‌پروا بود. او نه تنها یار و یاور و همدل و همفکر همسر مؤمن و وفادارش نبود، بلکه نسبت به او بسیار خیانت‌پیشه بود و اسرار او را فاش می‌کرد. او در امر تبلیغ و ارشاد همسرش ایستادگی و مخالفت می‌کرد و او و سخنانش را به مسخره می‌گرفت و به او تهمت دیوانگی می‌زد و با بدترین القاب او را خطاب می‌کرد. پیروان نوح (ع) با دیدن این صحنه‌ها و روابط سرد بین آنها، دل‌سرد و پشیمان می‌شدند. (نورالدین، ۱۴۱۴: ۷۵ - ۷۴)

همسر نوح با قوم کافرش همکاری می‌کرد و مشوق فعالیت‌های آنها و مخالفت‌هایشان با حضرت نوح (ع) بود؛ قومی که ظلم و طغیان می‌کردند و گناه و فساد بسیار انجام می‌دادند و بت‌پرستی می‌کردند.

**- حقارت و ناکامی همسر نوح:** زن نوح با همه تبلیغات پیگیر و طولانی همسرش که پیامبر خدا بود، کافر ماند و ایمان به خدای یگانه نیاورد. او نیز مانند قومش، مبدأ عالم را از اینکه خدای خالق توانا و آفریدگار لایزال بداند، امتناع می‌ورزید و در مقابل نصایح مشفقانه و تذکرات خیرخواهانه نوح پیامبر، سرپیچی می‌نمود. مردم که در غفلت و بی‌خبری به سر می‌بردند و درباره فلسفه خلقت و آفرینش خود نمی‌اندیشیدند، با

## ۱۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برخوردها و عکس‌العمل‌های همسر نوح بیشتر تحریک می‌شدند و در اعتقادات خرافی و کردارهای ناپسند خود پافشاری می‌کردند.

سال‌های سال همچنان سپری می‌شد و قوم نوح همچنان در معصیت و نافرمانی الهی فرو رفته بودند. در طول این مدت طولانی تعداد افرادی که به نوح(ع) گرویدند به صد نفر هم نرسید، البته نقش زن نوح در این امر بی‌تأثیر نبود. او به میان قوم می‌آمد و آنان را از پذیرش دعوت همسرش بر حذر می‌داشت، سرانجام نوح(ع) از این گمراهی قومش و خیانت همسرش که مردم را به گمراهی بیشتر تشویق می‌کرد، به تنگ آمد و وقتی از اصلاح قوم و خانواده‌اش مأیوس شد و دعوت خود را بی‌نتیجه دید آن قوم گناهکار را نفرین کرد. (نوح/ ۲۳ - ۲۲) به دنبال نفرین نوح و ساخته شدن کشتی به دستور خداوند، طوفانی جهانی رخ داد و فقط حضرت نوح(ع) و سرنشینان آن کشتی جان سالم به در بردند. زن نوح و پسرش که در دامان چنین زنی تربیت شده بود و همان تفکرات و اعتقادات مادر را داشتند، به همراه دیگر ستمگران به هلاکت رسیدند و نام ننگ خود را در تاریخ ثبت کردند. (دوانی، ۱۳۷۸: ۲۳ - ۱۹)

### - همسر لوط(ع)

حضرت لوط در میان قوم «سدوم» استقرار داشت. مردم سدوم به کفر و ظلم و عادات بسیار بد شهرت داشتند. آنها انواع منکرات را انجام می‌دادند و اهل بغی و فجور و فسق و سفاهت بودند، بطور علنی مرتکب فحشا می‌شدند و آن را قبیح نمی‌دانستند. لوط همواره آنان را موعظه می‌کرد و حتی دختری از آن قوم را به همسری برگزید، شاید الگوی صحیحی از ازدواج را به آنان نشان دهد، ولی این تلاش‌ها بیهوده بود. وقتی در این باره پافشاری می‌کرد، او را تهدید به اخراج از میان قومشان می‌کردند (نمل/ ۵۶). «واهله» همسر لوط نیز مانند همسر نوح از زنان بدکرداری بود که خدا در قرآن مجید وی را نکوهش کرده است.

آنچه بیشتر از همه حضرت لوط را می‌آزرد، انحراف فکری و گمراهی همسرش بود. او هم مانند مردم قومش، کافر و خدانشناس بود و رابطه خوب و سالمی با همسر

### ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۱۱

پیامبرش نداشت و زن فرومایه و بدکرداری بود. او سران قوم خود را بر انجام کارهای ناشایست تشویق می‌کرد، اسرار خانه همسرش را فاش می‌ساخت و برای مجرمان و خطاکاران جاسوسی و اطلاع‌رسانی می‌کرد. او در مقابل نصایح لوط پیامبر بسیار سرسختی می‌کرد و انحطاط کامل فکری و اخلاقی داشت و زمینه رشد فکری و فرهنگی در او و زنان جامعه‌اش به علت جهل و بی‌ایمانی و کج‌اندیشی مردان جامعه وجود نداشت.

لوط که از اصلاح قوم و بهبود وضعیت آنان مأیوس و از فعالیت‌های همسرش بسیار غمگین و غضبناک بود، سرانجام دست به نفرین برداشت و از خدا خواست که آن مردم گمراه و فاسد را به کیفر اعمالشان برساند. خداوند نفرین لوط را درباره قوم پذیرفت و فرشتگان را برای این امر مأمور کرد. صبح هنگام لوط و کسانش (غیر از زن کافرش) از شهر سدوم خارج شدند. در آن وقت به امر خداوند و اشاره فرشتگان زلزله‌ای آمد و تمام قلمرو تبهکاران را زیر و رو کرد (اعراف / ۸۳). بدین ترتیب لوط و کسان و پیروانش به سلامت از آن منطقه آلوده به گناه عبور کردند و از عذاب الهی نجات یافتند. از جمله کسانی که در این هلاکت و نابودی سهم بود، همسر لوط بود. خداوند از این زن بدکار و خطاکار که پاس احترام همسر خود را نگاه نداشت در قرآن به بدی یاد کرده است.

### ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی زنان ناشایست به‌عنوان نمادهای خیانت

#### و رذالت

در قرآن کریم «واغله» و «واهله» به عنوان دو سمبل کفر و خیانت و مایه عبرت برای دیگران معرفی شده‌اند. آن دو به همسران خود که پیامبران صالح بودند، ایمان نیاوردند و به آنها خیانت کردند. در عرصه اجتماعی و خانوادگی اقدام به سمپاشی علیه فرهنگ توحیدی نمودند و سرانجام همراه با هلاکت آنها، جامعه آنها نیز به نابودی کشانده شد. خداوند متعال علاوه بر اینکه هر یک از آنها را به تنهایی مورد سرزنش قرار می‌دهد و از هلاکت و نابودی آنها سخن می‌گوید، در اواخر سوره تحریم نیز نام

## ۱۱۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هر دوی آنها را یک جا بیان می‌کند و سخن از رذالت آنها به میان می‌آورد: «خداوند برای کافران، همسر نوح و همسر لوط را مثل می‌زند که در خانه دو بنده صالح زندگی می‌کردند، ولی به آنها خیانت کردند، پس آن دو پیامبر نتوانستند عذاب خداوند را مانع شوند و به آن دو زن گفته شد که با جهنمیان به کام آتش فرو روید».

با استفاده از این آیه به برخی از ویژگی‌های بارز و منفی این دو زن که در تخریب و فساد جامعه بسیار تأثیرگذار بوده‌اند، اشاره می‌شود:

۱. آن دو در مقابل امر خداوند متعال با دشمنان خدا همکاری و همفکری می‌کردند و برای آنان به زیان راه حق و رسالت پیامبران، جاسوسی می‌کردند.

۲. آن دو همسران امین و صالح نبودند.

۳. در مدتی کوتاه هم‌رنگ جامعه فاسد و کفار گشتند و ارزش‌های دروغین را بر ارزش‌های راستین مقدم داشتند و از عبادت و اطاعت حق رخ تافتند و به بردگی هوای نفس و شیطان در آمدند.

۴. بر اثر عدم تشخیص حق یا نداشتن ادراک صحیح یا غرور و جهل از فرصت همنشینی و معاشرت با پیامبران الهی استفاده نکردند و به جای اینکه در جوار آنان سعادت‌مند گردند، بدبخت و شقاوتمند گشتند.

۵. اگر کسی خود دارای ایمان و اراده قوی و استقلال رأی و اندیشه نباشد، نزدیک بودن به افراد صالح ولو همسر پیامبر بودن نتیجه‌ای به حال وی نخواهد داشت و این دو زن از داشتن ایمانی راسخ و اندیشه‌ای بلند محروم بودند.

۶. بی‌تقوایی، جهل و ناآگاهی و عناد و سرسختی آنها موجب انحطاط جامعه و خنثی شدن کار تبلیغی همسرانشان می‌شد. آن دو مانع این بودند که آن دو پیامبر و بنده صالح به اهداف آرمانی خود در جامعه برسند.

۷. این دو زن خیانت‌پیشه، مانع رشد خانواده خود نیز بودند که در نهایت منجر به انحطاط کانون خانواده آنها و از هم پاشیدگی آن شد. آنها دیگر خانواده‌ای متحد، موفق، کارآمد و متمرکز نداشتند.

## جمع بندی

دستیابی و کشف نظر دین مبین اسلام پیرامون موضوعات و مسائل گوناگون از مهم‌ترین اموری است که ذهن محققان و پژوهشگران مسلمان را در حوزه‌های مختلف علوم به خود مشغول ساخته است. آیات قرآن کریم که در بیان معروف رسول گرامی اسلام (ص) یکی از دو امانت به جای مانده آن حضرت دانسته و تمسک به آن، راه نجات از گمراهی معرفی شده است؛ مهم‌ترین منبع مورد استناد، برای کشف نظر شریعت اسلام پیرامون مسائل مختلف است.

قرآن کریم در رابطه با زن نکات بسیار مهمی را بیان می‌دارد، از جمله به عنوان الگوی زن نمونه، مبحث حضرت مریم (س) را در سوره‌ای که به نام ایشان است مطرح می‌کند. خداوند از نجابت و عفاف و عبادت و فرزندآوری و تربیت فرزند صالح ایشان صحبت و این امر را ترویج می‌کند و می‌فرماید: خداوند نسبت به زنی که این خصوصیات را داشته باشد یعنی پاکدامن باشد؛ اهل عبادت و بندگی خدا باشد؛ به فرزندآوری و تربیت فرزند توجه کند و تمام هم و غمش را به این امور اختصاص دهد، عنایت خاصی دارد.

در واقع خداوند متعال در قرآن برخی زنان والامقام را به عنوان الگو و نمونه برای همه انسان‌ها اعم از مردان و زنان و فراتر از هر مکان و زمان معرفی نموده است. از ویژگی‌های این زنان شایسته و برجسته، سیاست هوشمندانه، ایمان و اخلاص، استقامت و پایداری، صبر و مقاومت، مخالفت با فرهنگ طاغوتی، خلاقیت و پویایی، علم و فراست، رهبریت کانون خانواده و... است برخی زنان نیز در قطب منفی معرفی شده‌اند، که چهره تاریخ را سیاه و تاریک کرده‌اند. این زنان که ویژگی‌های بسیار منفی داشته‌اند، نه تنها کانون خانواده خود را متزلزل نموده‌اند، بلکه با عناد و لجبازی، جهل و کوتاه‌فکری، خودکامگی و سرکشی، همفکری و همکاری با کافران و بی‌دینان، خیانت، جاسوسی، بی‌ایمانی و بی‌تقوایی جامعه را نیز به بی‌ثباتی کشاندند. آنها در ترویج و اشاعه فساد و فحشا و اعمال ناشایست و غیر اخلاقی و انحطاط ارزش‌های اخلاقی و ایمانی نقش زیادی داشتند.

## ۱۱۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

قرآن کریم با بیان داستان‌های مختلف، سبک زندگی زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، عبادی، خانوادگی و... را برای بهره‌گیری همه اقشار جامعه بویژه زنان قرار داده است تا آنها با الگوسازی در عرصه‌های مختلف بدرخشند و جامعه خود را به سوی رشد و تعالی و پویایی سوق دهند.

### منابع

#### قرآن کریم

- ابن منظور (۱۴۰۸ هـ. ق). *لسان‌العرب*. بی‌جا: داراحیاء التراث العربی.
- اشتهاردی. محمدمهدی (۱۳۷۶). *زنان مردآفرین تاریخ*. چ ۲. تهران: نبوی.
- انصاری. محمدعلی و دیگران (۱۳۸۱). *مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن*. چ ۲. تهران: بیان هدایت نور.
- بابازاده. علی‌اکبر (۱۳۸۱). *سیمای زنان در قرآن*. چ ۳. تهران: لوح محفوظ.
- بهشتی. احمد (۱۳۶۸). *درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دوانی. علی (۱۳۷۸). *زن در قرآن*. چ ۱۲. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- دوست‌محمدی. هادی (۱۳۷۳). *شخصیت زن از دیدگاه قرآن*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- طباطبایی. محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری. محمدین جریر (۱۴۰۳). *تاریخ الطبری*. بی‌جا: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فهیم (کرمانی). مرتضی (۱۳۷۴). *چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ*. چ ۶. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم ❖ ۱۱۵

گرچی. منیره (۱۳۷۶). نگرش قرآن به حضور زن در تاریخ انبیا. چ ۲. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

نورالدین فضل‌الله. مریم (۱۴۱۴). نساء فی القرآن، بیروت: دارالزهرا للطباعه و التوزیع.

یوکل، گری (۱۳۸۲). مدیریت و رهبری در سازمان‌ها. ترجمه محمد ازگلی و قاسم قنبری. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).

